

انقلاب کوبا

- Immell, Myra, 1941 - م. سرشناسه: ایمل، مایرا، ۱۹۴۱ - م.
- عنوان و نام پدیدآور: انقلاب کوبا/ویراسته مایرا ایمل؛ ترجمه سیما مولایی.
- مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۱.
- مشخصات ظاهری: ۱۷۳ ص.: مصور.
- فروشت: چشم اندازهایی از تاریخ معاصر جهان؛ ۸
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۳۹۸۲
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
- یادداشت: عنوان اصلی: The Cuban Revolution (Perspectives on Modern World History).
- موضوع: کاسترو، فیدل، ۱۹۲۶-۲۰۱۶ م.
- موضوع: Castro, Fidel
- موضوع: کوبا — تاریخ — انقلاب، ۱۹۵۹ م.
- موضوع: Cuba -- History -- Revolution, 1959
- موضوع: کوبا — سیاست و حکومت — ۱۹۵۹ م.
- موضوع: Cuba -- Politics and government
- شناسه افروزده: مولایی، سیما، ۱۳۲۹ -، مترجم
- ردهندی کنگره: F ۱۷۸۸/۲۲
- ردهندی دیوبی: ۹۷۲/۹۱۰۶۴
- شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۸۴۰۴۲۸

چشم اندازهایی از تاریخ معاصر جهان - ۸

انقلاب کوپا

ویراستهٔ مایرا ایمل

ترجمهٔ سیما مولایی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Perspectives on Modern World History:

The Cuban Revolution

Myra Immell (Editor)

Greenhaven Press, 2013



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۰۶۴۰۸۶۴۰

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

ویراسته مایرا ایمل

انقلاب کوبا

ترجمه سیما مولایی

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۴۰۱

چاپ ترانه

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴۰۳۹۸-۲

ISBN: 978-622-04-0398-2

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

فهرست

۹	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۹	نقشه جهان

بخش اول: زمینه تاریخی انقلاب کوبا

۲۴	دیدگاه اول: انقلاب کوبا: بازنگری کوتاه
----	--

مایکل پاولسون

استاد دانشگاهی که جزئیات پیشینه تاریخی انقلاب کوبا و رخدادهای پس از آن را بررسی می‌کند.

۳۲	دیدگاه دوم: تهاجم یکشنبه گذشته به کوبا پنهان در رمز و راز
----	---

دیلی بوستون گلوب

یک روزنامه چاپ آمریکا از حمله و شورش دانشجویان در کوبا گزارش می‌دهد و حدس می‌زند که چه بسا انقلابی در پیش باشد.

۳۶	دیدگاه سوم: آغاز مبارزه شورشیان کوبایی با رژیم باتیستا
----	--

لری ان

یک روزنامه چاپ آمریکا گزارش می‌دهد که شورشیان به رهبری فیدل کاسترو اعلام کردند که به مرحله پایانی مبارزه‌شان برضد رژیم دیکتاتور فولختیو باتیستا رسیده‌اند.

۴۰	دیدگاه چهارم: دیکتاتور کوبا از کشور فرار می‌کند
----	---

آلیستر کوک

یک روزنامه چاپ بریتانیا گزارش می‌دهد که فولختیو باتیستا، اعضای خانواده‌اش و نظامیان ارشد کوبا به ایالات متحده گریخته‌اند. قیام در هاوانا، پایتخت، آغاز شده است.

۴۵	دیدگاه پنجم: کجا، کوبا؟ همچنان که نفوذ سرخ‌ها گسترش می‌یابد بعضی از شرکت‌های آمریکایی کوبا را ترک می‌کنند و دیگران در جستجوی راه گریزند
----	---

کال براملی

یک روزنامه چاپ آمریکا گزارش می‌دهد که اگرچه بسیاری از کوبایی‌ها از فیدل کاسترو پشتیبانی می‌کنند، کمونیسم را تهدیدی رو به گسترش می‌پنداشند. بسیاری از سرمایه‌داران نگران بروز شورش‌های ضدانقلاب و نیز ملی شدن صنایع کشورند.

دیدگاه ششم: به رهبری کاسترو کوبایی‌ها سرنوشتستان را در دست می‌گیرند ۵۴
اکونومیست

یک هفته‌نامه بریتانیایی درباره محبوبیت فidel کاسترو، رهبر کویا، گزارش می‌دهد و دلیل‌های محبوبیت او را بر می‌شمارد. در این گزارش همچنین درباره اوضاع مالی کویا و رابطه کویا با ایالات متحده صحبت می‌شود.

دیدگاه هفتم: هجوم جلای وطن کرده‌های کوبایی به میامی ۵۸
برت کالبیر

یک روزنامه چاپ آمریکا درباره آوارگان کوبایی که از انقلاب می‌گریزند و به فلوریدا پناه می‌برند گزارش می‌دهد. در این گزارش همچنین آمده است که چگونه این آوارگان مجبور به پذیرش دگرگونی‌هایی که در شیوه زندگی شان رخ داده می‌شوند و این که شهر میامی چگونه با این سیل مهاجران برخورد می‌کند.

بخش دوم: بحث‌هایی درباره انقلاب کویا

دیدگاه اول: شکست باتیستا از انقلاب کاسترو غیرمنتظره نیست ۶۴
لری جیمز باکمن

یک افسر ارتش آمریکا مدعی است که چندین دلیل هست که چرا فولخشیو باتیستا، رئیس جمهور کویا، در برابر انقلاب فidel کاسترو شکست خورد. یکی از دلیل‌ها ناتوانی باتیستا در درک گستره قیام و درماندگی او در رودررویی جدی با آن بود.

دیدگاه دوم: بلوغ نیروهای شورشی در سیرا مائسترای ۷۱
لوئی ای. پرز

این تاریخ‌نویس تبدیل شورشی‌های انقلابی کویا به ارتقی قوی و بادیسیپلین و نیز قدرتی سیاسی را به مبارزه‌های آن‌ها در پایگاه کوهستانی شان نسبت می‌دهد.

دیدگاه سوم: بهره‌گیری از تبلیغات در پیروزی شورشیان نقش داشت ۷۹
راسل جی. همپسی

یک افسر ارتش آمریکا مبارزه‌های تبلیغاتی ای را که فidel کاسترو و طرفدارانش بر ضد دیکتاتور فولخشیو باتیستا به راه اندخته بودند بررسی می‌کند و می‌گوید که تبلیغات به آن‌ها کمک کرد پشتیبانی مردم را به دست آورند و از بروز واکنش شدید بین‌المللی پیشگیری کنند و به پیروزی دست یابند.

دیدگاه چهارم: دهقانان قلب تپنده انقلاب کویا ۸۹
لنو هوپرمن و پل ام. سوئیزی

یک نویسنده سوسیالیست آمریکایی و یک اقتصاددان مارکسیست اعلام می‌دارند که دهقانان کوبایی نیروهای انقلابی شگفت‌انگیزی‌اند.

دیدگاه پنجم: به انقلاب کویا خیانت شد ۹۶
تنودور درپر

یکی از تاریخ‌نویسان مدعی است فidel کاسترو، رهبر انقلابی کویا، به بسیاری از وعده‌های سیاسی و اقتصادی‌ای که پیش از به دست گرفتن قدرت داده بود عمل نکرده است.

- دیدگاه ششم: مردم کوبا پیشران انقلاب بودند ۱۰۴
 فیدل کاسترو
 پس از گذشت چهل سال، نخست وزیر کوبا انقلاب کوبا را بازنگری می کند.
- دیدگاه هفتم: بعضی عوامل استثنایی انقلاب کوبا ۱۱۰
 چه گوارا
 رهبر چریک‌ها استدلال می کند که اگرچه چند عامل استثنایی در وقوع انقلاب کوبا مؤثر بود، آن انقلاب تفاوت چندانی با دیگر انقلاب‌ها در آمریکای لاتین نداشت.
- دیدگاه هشتم: تأثیر کمونیسم کاسترو در سیاست خارجی ۱۱۶
 دبلیو. ریموند دانکن
 یک استاد مطالعات بین‌الملل تأکید می کند که رویکرد سیاست خارجی فیدل کاسترو نه تنها در کوبا که در همه کشورهای آمریکای لاتین تأثیرگذار بود.
- دیدگاه نهم: دولت کوبا مسئول دشمنی ایالات متحده با کوبا نیست ۱۲۳
 آبیاک سینی
 یک دانشور دلیل تلاش راسخ ایالات متحده برای از میان برداشتن رژیم کاسترو را خسارتهایی می داند که به منافع مالی و تجاری ایالات متحده وارد شده است.
- دیدگاه دهم: حمله به خلیج خوک‌ها از آغاز محکوم به شکست بود ۱۲۹
 جولیا ای. سوایگ
 یک کارشناس امور آمریکای لاتین توضیح می دهد چرا نیروهای تبعیدی کوبایی مورد حمایت آمریکا که در خلیج خوک‌ها به کوبا حمله بردن ممکن نبود بر نیروهای فیدل کاسترو چیره شوند.
- دیدگاه یازدهم: مصرف گرایی دلیل اصلی موج مهاجرت کوبایی‌ها در سال ۱۹۸۰ است ۱۳۴
 پیتر وین
 یک دانشور مدعی است که انگیزه اصلی مهاجران کوبایی که در سال ۱۹۸۰ خود را به فلوریدا رساندند بیشتر هدف‌های اقتصادی بود تا نگرانی‌های سیاسی.
- بخش سوم: روایت‌های شخصی**
- دیدگاه اول: خاطره یکی از رهبران شورشی از اولین پیروزی ۱۴۲
 فیدل کاسترو و ایگناسیو رامونت
 یک انقلابی جوان تجربه‌های سفر دریایی خود و همراهانش به کوبا در سال ۱۹۵۶ و رفتن به رشته کوه‌های سیراماستان را برای رسیدن به پادگان‌های ارتش دشمن را بازگو می کند.
- دیدگاه دوم: افسر سیا جزئیات حمله به خلیج خوک‌ها را بازگو می کند ۱۴۷
 گریستون ال. لینچ
 مأمور سابق سیا تجربیاتش در حمله سال ۱۹۶۱ به خلیج خوک‌ها را بیان می کند.
- دیدگاه سوم: دختر یکی از مهاجران کوبایی از کوبا دیدن می کند ۱۵۱
 ریتا فارین
 دختری کوبایی-آمریکایی جزئیات اولین دیدارش از کوبا را شرح می دهد و این که چگونه آن سفر در نگرشش به دنیای هنر تأثیر گذاشت.

۱۵۶	دیدگاه چهارم: روزنامه‌نگاری شاهد لحظه پیروزی انقلاب کویاست	ادوین تتلو
	روزنامه‌نگاری بریتانیایی در کویا صحنه‌هایی را که پس از فرار رئیس جمهور فولخشیو باتیستا	
	و به قدرت رسیدن فیدل کاسترو در سال ۱۹۵۹ در هوانا، پایخت کویا، به چشم دیده بود	
	گزارش می‌کند.	
۱۶۵	فهرست اصطلاحات	
۱۶۷	گاهشمار	
۱۶۹	برای مطالعه پیشتر	
۱۷۳	نمایه	

پیشگفتار

«تاریخ برای آینده راهکار نشانمان نمی‌دهد، اما می‌تواند شناخت بهتری از خودمان و طبیعت بشری مشترکمان ارائه دهد تا بهتر بتوانیم با آینده رو به رو شویم.»

— رابرت پن وارن
شاعر و داستان‌نویس آمریکایی

در تاریخ هر ملت رویدادهای سرنوشت‌سازی وجود دارد که برای آن ملت نقطه عطف است و تأثیر آن فراتر از مرزهایش احساس می‌شود. این رویدادها — در برگیرنده همه ویژگی‌های بشری مانند خشونت، طمع، نادانی و نیز قهرمانی، دلاوری و توانمندی — تقریباً همیشه پیچیده است و جنبه‌های گوناگونی دارد. دانشجوی تاریخ با پرسش‌های چالش‌برانگیز بسیاری رو به روست، با رویدادهایی مانند جنگ، جنبش‌های اجتماعی و فاجعه‌های زیست محیطی که جهان را دگرگون می‌کند. اما درک این رخدادهای مهم تاریخی زمانی بهتر می‌شود که از دیدگاه‌های گوناگون بررسی گردد، دیدگاه کسانی که در گیر آن وقایع بودند یا از فاصله مکانی و زمانی دور درباره آن نوشته‌اند. این درک می‌تواند هنگامی عمیق‌تر شود که اختلاف‌نظرها در مورد این رخدادها بررسی شود و از زاویه‌های گوناگون کندوکاو گردد. سرانجام درک واقعی رویدادهای مهم تاریخی نیاز به آگاهی تأثیر آن در انسان‌ها — چگونگی بازتاب این رویدادها در زندگی روزمره مردم — در سراسر جهان دارد.

مجموعه کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» رویدادهای تاریخی جهان را از قرن بیستم به بعد با تجزیه و تحلیل و نگرش از زاویه‌های دقیق‌تر بررسی می‌کند. هر جلد مجموعه‌ای از نوشتارهای مربوط به هم و منظم از نوشه‌هایی است که در گذشته درباره یک رویداد تاریخی مهم با تأکید بر گزارش‌های رسانه‌های بین‌المللی منتشر شده و در دسترس دانش‌آموزان، دانشجویان سال‌های اول و علاقه‌مندان به اطلاعات عمومی قرار می‌گیرد. هر جلد با اطلاعاتی درباره پیشینه رویداد آغاز می‌شود، با ارائه نظریه‌های متضاد درباره آن رویداد ادامه می‌یابد و سرانجام با روایت‌های شخصی کسانی که در زمان بروز حوادث حاضر بودند و تأثیر آن در زندگی شان پایان

می‌گیرد. با ارائه منابع اصلی همزمان با رویداد و نیز گزارش‌ها درباره آن، این مجموعه می‌تواند در بحث‌های آگاهانه به کار گرفته شود، به رشد تفکر انتقادی کمک کند، سبب افزایش آگاهی شخص از رخدادهای جهانی گردد و درک چشم‌انداز بین‌المللی درباره تاریخ را گسترش دهد.

موضوع‌های هر جلد از منابع گوناگون از جمله روزنامه‌ها، مجله‌ها، کتاب‌های غیردادستانی، روایت‌های شخصی، سخنرانی‌ها، ارائه شهادت‌ها در کنگره آمریکا، اسناد دولتی، جزووهای خبرنامه‌های سازمانی و نوشتۀ‌های بحث‌برانگیز برداشت شده است. مقاله‌های گرفته‌شده از این منابع سپس با دقیق ویرایش می‌شود تا متن و پیشینه رویدادها برای نشر آماده گردد. هر جلد از کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» شامل مجموعه‌ای از دیدگاه‌هایی درباره رخدادهایی است که از اهمیت جهانی برخوردار است. بیشتر نوشتارها از منابع بین‌المللی و منابع آمریکایی برداشته شده که در رسانه‌های بین‌المللی بازتاب گستردۀ داشته است.

هر جلد از سری کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» دربرگیرنده موارد زیر است:

- نقشه جهان با متن و دید کلی از جغرافیا.
 - فهرست مطالب به شکل توضیحی که خلاصه کوتاهی از هر مقاله تحقیقی در کتاب ارائه می‌کند.
 - مقدمه و پیزۀ موضوع کتاب.
 - برای هر دیدگاه یک معرفی کوتاه درباره نویسنده و منبع نوشتار او با خلاصه‌ای از نکات اصلی ارائه شده است.
 - جدول‌ها نمودارها، نقشه‌ها و دیگر نمادهای تجسمی.
 - کادرهای حاشیه‌ای با اطلاعاتی درباره زندگی افراد محوری، پیشینه رویدادهای تاریخی و توضیح درباره موضوع‌های علمی و فنی.
 - فهرست اصطلاحات برای تعریف اصطلاحات اصلی.
 - گاهشماری از رویدادهای مهم قبل، همزمان و بلافصله بعد از آن.
 - کتاب‌شناسی برای معرفی کتاب‌های بیشتر، نشریه‌های دوره‌ای و وبسایت‌ها برای پژوهش‌های بیشتر.
 - نمایه جامع برای مطالعه درباره افراد، مکان‌ها و رویدادها در متن.
- «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» برای طیف وسیعی از خوانندگان جمع‌آوری

شده است، افرادی که می‌خواهند نه تنها درباره تاریخ بلکه درباره رویدادهای جاری، علوم سیاسی، حکومت، روابط بین‌المللی، و جامعه‌شناسی بیشتر بدانند — دانش‌آموزان و دانشجویانی که برای انجام دادن تکلیف‌های درسی یا در مورد بحث‌های کلاسی تحقیق می‌کنند، معلمان و کادر آموزشی که به دنبال مطالب تکمیلی‌اند، و آن‌هایی که می‌خواهند تاریخ را بهتر بفهمند. انگیزه نگارش هر جلد از کتاب‌های «چشم‌اندازهایی از تاریخ معاصر جهان» توضیح رویدادهای پیچیده، ترغیب خواننده به بحث و گفتگو و نشان دادن نقش انسان‌ها در بروز مهم‌ترین رویدادهای دهه‌های اخیر است.

مقدمه

روز هشتم ژانویه ۱۹۵۹ هاوانا پایتخت کوبا:

در مرکز شهر ... غلغله بود، شب نظامیان زیادی شادمانه در مرکز شهر تیرهای هوایی خالی می کردند. ... کشتی های جنگی در بندرها با شلیک توپ هایشان ادای احترام می کردند. اتومبیل ها از یک سر شهر تا سر دیگر بی وقه بوق می زدند.

با به گزارش های روزنامه های واشنگتن پست و تایمز-هرالد، چاپ روز نهم ژانویه، این تازه آغاز کار بود. در آن روز مغازه ها در هایشان را زودتر از ساعت معمول بستند. صدای شلیک ۲۱ تیر از توپ های دژ بندرگاه، برای ادای احترام، در فضای طنین انداز بود و صدای ناقوس کلیساها در سراسر شهر به گوش می رسید. دلیل این همه شادمانی ورود پیروزمندانه فیدل کاسترو رهبر سی و سه ساله سورشیان به هاوانا بود که توانسته بود رژیم فولخثیو باتیستا دیکتاتور کوبا را سرنگون کند، مردم از مدت ها پیش منتظر آمدنش بودند.

تنها یک هفتۀ پیش از آن، در میان شکفتی بسیاری از مردم، کاسترو که سرنوشت آن بود که سال های زمامداری سیاسی اش طولانی تر از هر کسی در جهان باشد کترل حکومت کوبا را در دست گرفت. روزنامه نگاری بریتانیایی نوشت:

بیشتر کوبایی ها و بی گمان دیکتاتورهای نیکاراگوئه، پاراگوئه، هائیتی و جمهوری دومینیکن که نظاره گر [انقلاب کوبا]^۱ هستند نمی توانند باور کنند جوانی خشمگین اما از خانواده ای ثروتمند بر قلمرو باتیستا چیره شده باشد، مرد جوانی که اولین قیامش در اول دسامبر ۱۹۵۶ با چنان شکستی روبرو شده بود که از ۹۳ تن پیروانش فقط ۱۲ نفر برایش باقی مانده بود.

نبردها با پیروزی پایان یافت و دیکتاتور گریخت — اما انقلاب کوبایی کاسترو هنوز به پایان نرسیده بود. از بعضی جنبه ها در واقع کار انقلاب تازه شروع شده بود. کاسترو بی درنگ تغییرات را آغاز کرد. دولتی انقلابی سر کار آمد که با جدیت تمام

۱. قلاط های سراسر کتاب افزوده ویراستار انگلیسی است. — م.

شروع به انجام دادن برنامه‌های مورد نظر کاسترو کرد. از نظر همه، طرح‌های کاسترو بلندپروازانه بود. از جمله برنامه‌های او ملی کردن خدمات عمومی، واگذاری زمین‌های کشاورزی به روساییان، و واگذاری سی درصد سود دریافتی از هر کسب‌وکاری در سراسر جزیره کوبا به کارگران، همچنین مصادره همه اموال و دارایی‌های کارگزاران فاسد رژیم قبلی، مدرن کردن صنایع کشور، و برق‌رسانی و خانه‌سازی بسیار گستردۀ در منطقه‌های غیرشهری بود.

کاسترو در ماه ژوئیه، هفت ماه پس از ورود به هاوانا، تجمع بزرگی به مناسبت سالگرد شروع مبارزه مسلح‌انهانه انقلابی برضد دیکتاتوری باتیستا — عملیات شکست‌خورده ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳، حمله به پادگان ارتش مونکادا در سانتیاگو ڈ کوبا — برپا کرد. کاسترو به یک‌میلیون یا بیشتر مردمی که در آن مراسم حاضر بودند اعلام کرد که دولت انقلابی کوبا از دولت آتن باستان بهتر است. کاسترو ادامه داد که دولت انقلابی کوبا در خدمت «طبقهٔ ممتاز اشراف» نیست، «این دموکراسی واقعی» است.

کمتر از دو سال پس از آن، در اول ماه مه ۱۹۶۱، کاسترو رسماً اعلام کرد که کوبا کشوری سوسیالیستی است. چهار ماه بعد، روز دوم دسامبر، در سخترانی بسیار طولانی‌ای که زنده از رادیو و تلویزیون پخش شد اعلام کرد که مارکسیست-لنینیست است. بنا به گزارش آسوشیتدپرس، «فیدل کاسترو امروز گفت که 'جهان در راه رفتن به سوی کمونیسم است' و او کوبا را به همان سو هدایت می‌کند.» کوبا جزیره‌ای کوچک در ۱۵۰ کیلومتری ساحل فلوریدا اولین کشور در نیمکرهٔ غربی بود که کمونیستی شده بود.

پس از انقلاب، کوبا کشوری تک‌حزبی به رهبری فیدل کاسترو بود. کاسترو در ده سال اول زمامداری تلاش کرد اصلاحاتی انجام دهد، اما اقدامات سرکوبگرانه دولت، برقراری رابطهٔ نزدیک با اتحاد شوروی، و کمونیسم دواوشه بسیاری از مردم کوبا را وحشت‌زده کرد و از انقلاب راند. کاسترو تقریباً همه جنبه‌های زندگی مردم را به وسیلهٔ حزب کمونیست و دستگاه‌های دولتی شدیداً در کنترل خود داشت. هیو توماس دانشور بریتانیایی در سال ۱۹۷۱ در کتاب کوبا: در جستجوی آزادی — دربارهٔ تاریخ کوبا — نوشت که ده سال اول رهبری کاسترو برای مردم کوبا دورانی سخت بود:

دولت کوبا در دهه ۱۹۶۰ ... برای اقلیتی بزرگ از شهروندانش فاجعه‌بار بود، بهویژه برای بسیاری از کسانی که فقط به دلیل انباشتگی تاریخ اجتماعی، و نه سزاوار

سرزنش بودن، در گذشته بی اهمیت‌تر از آن تصور می‌شدند که مورد توجه باشند: در خانواده‌های زیادی دودستگی به وجود آمد یا به‌کلی از هم پاشیدند، و به دلیل‌های سیاسی مردمان زیادی دستخوش نامیدی در زندگی شخصی شان شدند و، بجز رهبران انقلاب، بسیاری از مردم از هر دو جبهه، مانند پزشکان یا کارشناسان آموزش و پژوهش در هاوانا و نیز تبعیدی‌های دموکراسی خواه در ایالات متحده، باور دارند هرچه کرده‌اند با نیت خوب بوده، اما احساسی که دو طرف نسبت به یکدیگر دارند انجاز و تغیر است. آنچه بیشتر باعث نگرانی است شاید «کشمکش درونی فرد باشد که ابراز آن برایش تقریباً غیرممکن است. به عبارتی، باور فرد به این که در باب 'خیانت به انقلاب' تجزیه و تحلیل او درست است. از این رو پیوسته از کمک کردن ... به دیگری در 'اردوگاه دشمن' که ارزش‌هایش برای او انجازآور بوده و هست محظوظ می‌باشد». فاجعه دیگر پیدایش یک جنبش سیاسی است که کارش را با بهره‌گیری از احساسات مشبت مردم، از هر قشری، آغاز کرد ولی بهمرور، دست‌کم، بی‌مدارا شد؛ موضوع اندوه‌بار دیگر شمار زیاد کوبایی‌هایی است که در تبعید، دور از سرزمینی که به آن عشق می‌ورزند، از دنیا می‌روند.

در دهه ۱۹۷۰ کوبا توانست به موقیت‌هایی به‌ویژه در زمینه آموزش و پژوهش، خدمات پزشکی و بهداشت دست یابد. شمار زیادی از مردم کار پیدا کردند و برابری و ثبات بیشتری برقرار شد. اما در همان حال آزادی‌های سیاسی کاهش یافت و کسانی که پیرو خط‌مشی کاسترو نبودند سرکوب می‌شدند.

در سال ۱۹۸۰ کوبا با مشکل بزرگی روبرو شد. اقتصاد کشور شدیداً به کشت نیشکر و توتون وابسته بود. در آن سال نوعی بیماری قارچی این فراورده‌ها را از بین برد و اقتصاد کوبا را با بحران روبرو ساخت. بسیاری از مردم شغلشان را از دست دادند، مواد خوراکی سهمیه‌بندی شد، و زندگی مردم باز هم سخت‌تر گشت. هزاران نفر از کوبا گریختند و به ایالات متحده پناهنده شدند.

ده‌ها سال کوبا به اتحاد شوروی متکی بود و از آن کشور کمک دریافت می‌کرد. هنگامی که در سال ۱۹۹۱ اتحاد شوروی از هم پاشید روند واگذاری کمک‌ها مختل شد. برای پیشگیری از سقوط اقتصاد کوبا، انرژی، مواد غذایی و کالاهای مصرفی بهشدت سهمیه‌بندی شد. در طول دهه ۱۹۹۰ تا اوایل قرن بیست و یکم، اگرچه کاسترو با مشکل‌های زیادی روبرو بود، همچنان سرخختانه کنترل کشور را در دست داشت و به اصول سوسیالیسم پاییند ماند. باز دیگر هزاران کوبایی در جستجوی زندگی بهتر به آمریکا گریختند.

در سال ۲۰۰۶، فیدل کاسترو پیر و بیمار قدرت را به برادرش رائول واگذار

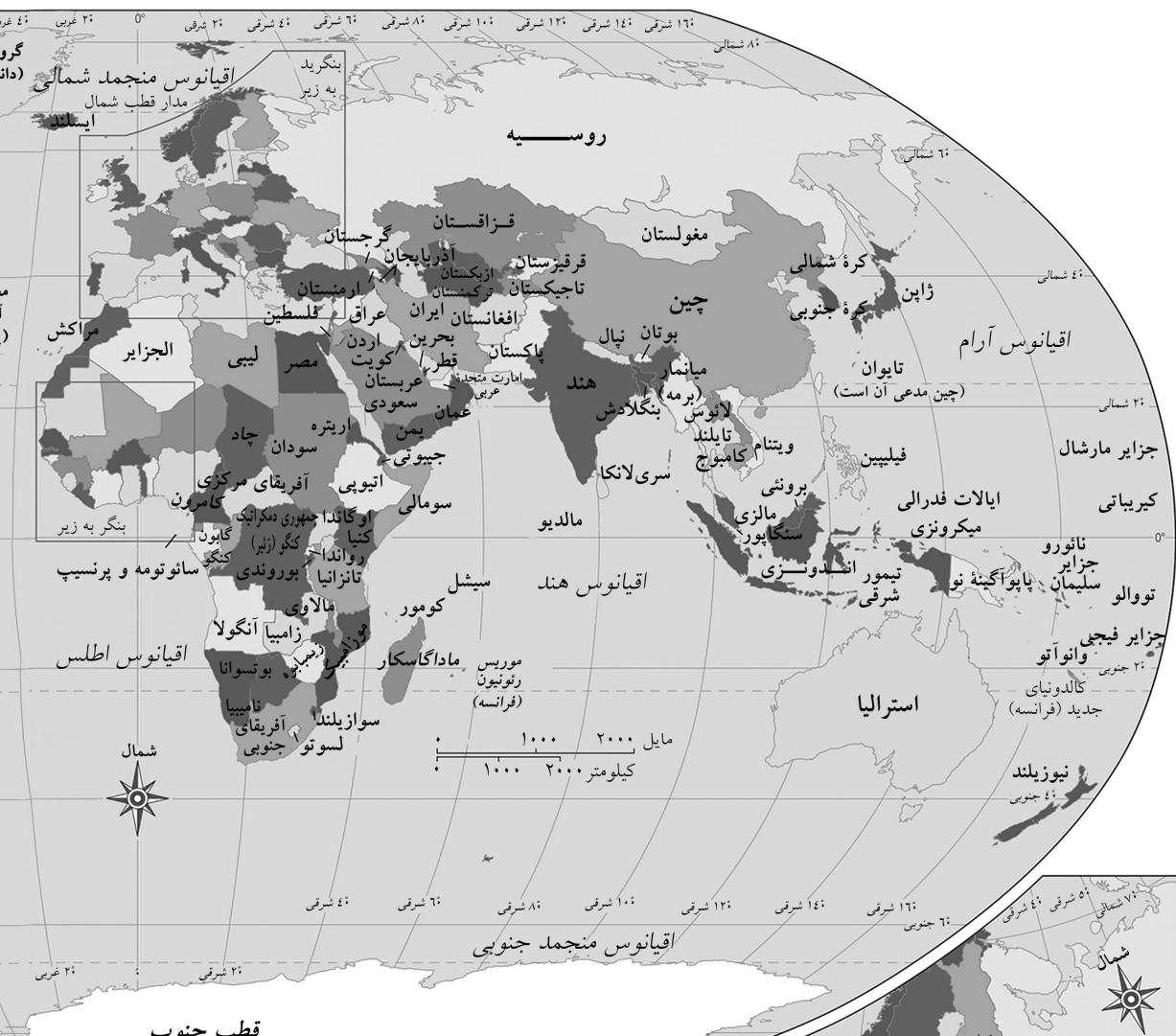
کرد. دو سال بعد رائول کاسترو رسماً رهبر، رئیس جمهور و فرمانده کل قوا و در سال ۲۰۱۱ دبیر اول حزب کمونیست آن کشور شد. رائول کاسترو به تدریج بعضی تغییرات مانند کاهش کنترل دولت بر امور مالی و کم کردن محدودیت‌های کسب و کارهای خصوصی را آغاز کرد. اما سختگیری‌های دیگر سر جای خود باقی ماند. بنا به گزارش دیدهبان حقوق بشر در ژانویه ۲۰۱۲، «کوبا تنها کشوری در آمریکای لاتین است که هر گونه مخالفت سیاسی را کاملاً سرکوب می‌کند.» تهیه‌کنندگان این گزارش موارد نقض حقوق بشر در کوبا را برمی‌شمارند و بیان می‌دارند که علاوه بر اتهام‌های گوناگون، کوبایی‌هایی که از حکومت انتقاد می‌کنند به عنوان جنایتکار محاکمه می‌شوند؛ همه رسانه‌ها در کنترل دولت است و هیچ‌گونه آزادی بیانی وجود ندارد؛ و شهروندان اجازه خارج شدن از کوبا یا بازگشت به کشورشان را ندارند مگر آنکه اجازه رسمی دولتی دریافت کنند که در بیشتر مواقع به آن‌ها داده نمی‌شود.

بنا به نظرسنجی انسیتیوی بین‌المللی جمهوری خواه که در سال ۲۰۱۲ از ۷۸۷ نفر کوبایی به عمل آمد، بیشتر آن‌ها معتقد بودند که اصلاحات رائول کاسترو آن‌چنان محدود و آهسته انجام می‌شود که نمی‌تواند تأثیری در اقتصاد ناتوان کشور داشته باشد. ۸۵ درصد کسانی که در نظرسنجی شرکت کرده بودند گفته بودند اصلاحات منفعت مستقیم برای آن‌ها به همراه نداشته، و ۶۰ درصد گفته بودند که فکر نمی‌کنند وضع مالی خانواده‌هایشان در سال بعد تغییر کند. کمی بیش از نیمی از آن‌ها هم گفته بودند که حقوق کم و هزینه‌های بالای زندگی بزرگ‌ترین مشکل مردم کوبایی است. همین آمار نشان می‌دهد که ۱۹ درصد معتقد بودند اوضاع کوبا رو به بهبود است. در همان حال ۵۵ درصد باور داشتند که پیشرفت اساسی اقتصادی بدون انجام دادن تغییرات سیاسی در کشور ممکن نیست. به هر روی فقط ۴۱ درصد از کوبایی‌های شصت‌ساله یا سالمندتر خواهان برقراری نظامی دموکراتیک بودند، در حالی که ۹۰ درصد کوبایی‌های هجده تا بیست و نه‌ساله خواهان اقتصاد بازار و ۸۸ درصد خواهان دموکراسی بودند.

در این میان، با وجود همه ناگواری‌ها انقلاب کوبا هنوز پایرجاست و رائول کاسترو مصمم است که اشتباههای گذشته را «تصحیح» کند و آینده کشور را تضمین نماید. رائول کاسترو در ژانویه ۲۰۱۲ در کنفرانس حزب کمونیست کوبا اعلام داشت: «نسلی که در کوبا انقلاب کرد از این امتیاز تاریخی — که کمتر دیده می‌شود — برخوردار بوده

که توانسته اشتباهایی را که خودش مرتکب شده اصلاح کند. با وجود آنکه ما دیگر جوان نیستیم، قصد نداریم بگذاریم این فرصت آخر از دست برود.»
چشم اندازهایی از تاریخ معاصر جهان: انقلاب کوبا دلیل‌های وقوع انقلاب، پیامدها و تأثیر پایدارش در جهان امروز را بررسی می‌کند.

نقشه جهان





بخش اول
زمینهٔ تاریخی انقلاب کوبا



دیدگاه اول

انقلاب کوبا: بازنگری کوتاه

مایکل پاولسون^۱

در دیدگاه زیر، نویسنده ریشه‌های انقلاب کوبا، مبارزه‌های انقلابی فیدل کاسترو در دهه ۱۹۵۰، و روابط آمریکا با کوبا در سال‌های پس از انقلاب را کوتاه بررسی می‌کند. تلاش ناموفق برای به دست آوردن استقلال در قرن نوزدهم و دخالت آمریکا در امور داخلی کوبا در اوایل قرن بیستم از دلایل اصلی برپایی جنبش ملی‌گرایی در کوبا بود. در سال‌های بعد از آن تنش‌های رو به افزایش اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در منطقه‌های غیرشهری همراه با فساد و بی‌کفایتی دولت سبب شدت یافتن شور انقلابی شد. رژیم دیکتاتوری فولختیو باتیستا در سال ۱۹۵۲ بر سر کار آمد که سبب شد کاسترو ابتدا خواهان اجرای اصلاحات شود و در پی آن جنبشی انقلابی را با هدف سرنگونی دولت آغاز کند. سرانجام در سال ۱۹۵۹ کاسترو پیروز شد، رژیم باتیستا سرنگون گشت و دولتی انقلابی جانشین آن شد که برنامه‌هایش به آتش دشمنی بین آمریکا و کوبا دامن زد. مایکل پاولسون استاد دانشگاه دولتی کالیفرنیا در جزایر چنل در کاماریلو در کالیفرنیا است.

روز اول ژانویه ۱۹۵۹ چریک‌های جنبش ۲۶ ژوئیه به رهبری فیدل کاسترو وارد هاوانا، پایتخت کوبا، شدند و سرنگونی دیکتاتوری فولختیو باتیستا را اعلام کردند. کاسترو توانست از یک گروه کوچک متشكل از دانشجویان رادیکال و انقلابیون حرفه‌ای فقط در سه سال نیروی انقلابی موفقی به وجود آورد که نه تنها رژیم باتیستا را سرنگون کرد بلکه توانست همسایه شمالی قدرتمند کوبا، ایالات متحده آمریکا، را به چالش بکشد.

عکس صفحه قبل: رائل کاسترو، فیدل کاسترو و کامیلو سینتفوئگوس (از چپ به راست) انقلاب کوبا را از کوه‌های سیرا مائستررا رهبری کردند. (AP Images/ © Andrew St. George

ریشه‌های انقلاب

ریشه‌های انقلاب کوبا را می‌توان در جنگ ده‌ساله (۱۸۶۸-۱۸۷۸) برای پایان دادن به

1. *Encyclopedia of Latin American History and Culture*, vol. 2E. © 2008 Cengage Learning.

سلطه اسپانیا بر جزیره پیدا کرد. کوبا در آن جنگ شکست خورد، اما اراده بسیاری از مردم برای پایان دادن به فرمانروایی خارجی در میهنشان راسخ تر گشت. با احیای مبارزه برای استقلال در اوایل قرن بیستم، دو رویداد مهم تأثیری عمیق بر تاریخ سال‌های بعد کوبا باقی گذارد. رویداد اول پیدایش خوشه مارتی در جایگاه رهبر سمبولیک و ایدئولوژیک کوبا در جنبش استقلال آن کشور بود. مارتی بزرگ‌ترین شاعر و اندیشمند کوبایی با قدرت اندیشه‌اش خدمت بزرگی به جنبش آزادی کوبا کرد. رویداد دوم دخالت آمریکا در مبارزه سال ۱۸۹۸ کوبا بود، اما به جای آن‌که استقلال کامل به آن کشور بدهد کوبا را تحت قیومت خود گرفت. دخالت آمریکا سبب شتاب خروج ارتش اسپانیا از کوبا شد، اما کشور تازه استقلال یافته اکنون ارباب امپریالیست دیگری — بسیار قدرتمندتر — برای مقابله پیش رو داشت.

ماده الحقی پلات، که در سال ۱۹۰۱ به تصویب کنگره آمریکا رسید، حق دسترسی آزاد به بندهای کوبا را به ایالات متحده واگذار کرد و نیز به آمریکا اجازه داد برای حفظ استقلال کوبا و «حمایت از حق حیات، دارایی و آزادی‌های فردی» در امور داخلی آن کشور دخالت کند. اگرچه بیشتر کوبایی‌های ثروتمند استیلای آمریکا را پذیرفتند، بسیاری از رهبران کارگری و روشنفکران این شرایط را با استقلال کامل کوبا ناسازگار می‌دانستند. به دنبال جنگ اسپانیا و آمریکا و لایحه الحقی پلات، ملی‌گرایی در کوبا به رهبری مارتی جان تازه گرفت. در سال ۱۹۳۳، در دوران دیکتاتوری ستمکار خراردو ماچادو، کمونیست‌ها (که به نام حزب سوسیالیست مردمی شناخته می‌شدند) با اعلام اعتراض عمومی احساسات ناسیونالیستی مردم کوبا را دوباره زنده و حکومت ماچادو را سرنگون کردند.

پس از یک دوره بی‌ثباتی سیاسی، رامون گرانو سان مارتین رهبری دولت انقلابی جدید را به دست گرفت. با هدایت او آنتونیو گوتراس هولمز، وزیر کشور کوبا، یک رشته اصلاحات به تأخیرافتاده از جمله هشت ساعت کار روزانه، کاهش هزینه خدمات عمومی، حق دهقانان برای تصاحب زمین‌های کشاورزی، و محدودیت مالکیت املاک کوبا به وسیله بیگانگان را به اجرا گذاشت. اما کشمکش داخلی، مخالفت آمریکا با

این قوانین، و توطئه‌های نظامیان سبب شد که در ژانویه ۱۹۳۴ گرانو استعفا دهد. انقلاب ناموفق سال ۱۹۳۳ به کانون توجه نسل‌های بعدی کوبا بدل شد. انقلاب سال ۱۹۵۹ در واقع ریشه در این انقلاب ناموفق داشت.

انقلاب ناموفق سال ۱۹۳۳ به کانون توجه نسل‌های بعدی کوبا بدل شد.

از اصلاحات تا فساد

بین سال‌های ۱۹۳۴ و ۱۹۵۹ فولختیو باتیستا در عمل رهبری کوبا را به عهده داشت. اگرچه از باتیستا به عنوان دیکتاتوری یاد می‌شود که به دست نیروهای کاسترو سرنگون شد، در دهه ۱۹۳۰ او در واقع فردی اصلاح طلب به شمار می‌رفت. باتیستا بسیاری از خواسته‌های انقلاب ۱۹۳۳ را برآورده کرد که کاهش ساعت کار زنان، برقراری مستمری برای بازنیستگان ارتش، گسترش آموزش و پرورش، و ضمانت مالکیت دائمی زمین برای کشاورزان متوسط از جمله این اصلاحات بود. در سال ۱۹۳۹ باتیستا که از محبوبیتش در میان مردم مطمئن بود اجازه داد انتخابات آزاد برگزار شود. باتیستا در آن انتخابات پیروز شد و در سال ۱۹۴۰ پیش‌نویس قانون اساسی جدیدی را ارائه داد که حق رأی عمومی، آزادی برقایی نهادهای سیاسی، آموزش عمومی اجباری، و محدودیت سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در بر می‌گرفت. افزون بر آن، مجازات مرگ نیز غیرقانونی اعلام شد.

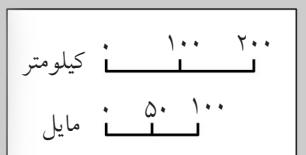
کوبا بین سال‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۲ چندین دولت مشروطه داشت و هر سال طبقه‌های کارگر و متوسط از رفاه بیشتری برخوردار می‌شدند. در این دوران حزب آئوتیکو حزب حاکم در کشور بود و دو تن از اعضای آن، گراؤ (۱۹۴۸–۱۹۴۴) و کارلوس پریو سوکاراس (۱۹۴۸–۱۹۵۲)، به ریاست جمهوری کوبا رسیده بودند. در سال ۱۹۴۴ باتیستا از کار کناره‌گیری کرد و به ایالات متحده رفت.

به هر روی در این سال‌ها شرایط زندگی در منطقه‌های غیرشهری تغییر نکرد یا بدتر شد. از آنجا که کشاورزی منبع اصلی درآمد کوبا بود و بیشتر مردم همچنان روستانشین بودند، تشنج‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در خارج از شهرهای بزرگ ادامه یافت. افزون بر آن، رفیق‌بازی‌های سیاسی، فساد و بی‌کفایتی در دستگاه دولت در سال‌های پیش از کودتای ۱۹۵۲ به اوج رسیده بود. در سال ۱۹۴۶ اتهام‌های فساد سبب بروز شکاف میان اعضای حزب آئوتیکو و تشکیل حزب اُرتدوکسو شد. انقلابیون حرفه‌ای، روشنگران و اعضای طبقه متوسطِ رو به رشد کوبا، که خود را میراث دار انقلاب ۱۹۳۳ می‌دانستند، به این حزب پیوستند. شعار آن‌ها «شرف پیش از پول» بر تعهدشان به پایان دادن به فساد و رفیق‌بازی در دستگاه دولتی تأکید می‌کرد. حزب اُرتدوکسو سوسیالیست نبود، اما اعضای آن از نفوذ شرکت‌های آمریکایی بر اقتصاد کشورشان ناخشنود و بسیاری از آن‌ها خواستار ملی شدن مزرعه‌های کشاورزی متعلق به خارجی‌ها بودند.

کوبا



دریای کارائیب



کاسترو در برابر باتیستا

سال ۱۹۵۲ زمان برگزاری انتخابات عمومی اعلام شد و فیدل کاسترو از حزب اُرتدوکسو در انتخابات پارلمانی شرکت کرد. اگرچه باتیستا، که از آمریکا بازگشته بود، از حمایت توده‌های مردم برخوردار نبود، می‌دانست که با پشتیبانی رفقاء سیاسی‌اش، افسران ارتش و پلیس ملی می‌تواند اداره دولت را به دست گیرد. کودتای ۱۹۵۲ همچنین از پشتیبانی ضمنی کمونیست‌های کوبا نیز برخوردار بود که از بازگشت ثبات سیاسی خشنود بودند. ایالات متحده بی‌درنگ رژیم جدید را به رسمیت شناخت و با وجود اعتراض‌های پراکنده، کودتا با مقاومت اساسی مردم روبرو نشد. به هر روی اگرچه باتیستا از حمایت قدرتمندان کلیدی برخوردار بود، هرگز در میان توده‌های مردم از مشروعيت برخوردار نشد. فیدل کاسترو که از انتخاب شدن در پارلمان محروم شده بود این واقعیت را به خوبی درک کرد و بی‌درنگ دست به کار تخریب رژیم باتیستا شد.

فیدل کاسترو که از انتخاب شدن در پارلمان محروم شده بود ... دست به کار تخریب رژیم باتیستا شد.

اولین حمله کاسترو به دولت باتیستا روز ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳ انجام شد. در آن روز فیدل کاسترو برادرش رائول، [شورشی دیگر] رامیرو والدیس، و عده‌ای دیگر به پادگان‌های مونکادا [دومین اردوگاه بزرگ نظامی کوبا] در سانتیاگو کوبا شیوخون زدند. تقریباً همه چریک‌ها از جمله برادران کاسترو کشته یا دستگیر شدند، اما پس از این نبرد فیدل کاسترو به شخصیتی ملی بدل شد. این اولین بار نبود که شکست نظامی برای فیدل کاسترو پیروزی تبلیغاتی و سیاسی به همراه داشت. از دید کاسترو، که کاندیدای اخیر حزب اُرتدوکسو بود، حمله [به پادگان‌های مونکادا] «همان بود که مارتی قصد انجامش را داشت». فیدل کاسترو در طول محاکمه از مهارت چشمگیرش در سخنوری برای حمله به دولت باتیستا بهره گرفت و خواهان برپایی دولتی طبق قانون اساسی، اصلاحات ارضی، سهیم کردن کارگران در سود کارخانه‌ها، و مصادره پول‌هایی شد که سیاستمداران فاسد برای انجام دادن خدمت‌های سیاسی دریافت کرده بودند. شک نیست که در این زمان کاسترو اصلاح طلب بود، اما برنامه‌هایش مارکسیستی-لینینیستی نبود. کاسترو در سال ۱۹۵۳ محاکوم به زندان شد، اما به دنبال عفو عمومی سال ۱۹۵۵ آزاد شد. فیدل و برادرش رائول از ترس پلیس باتیستا به مکریکوستی، پایتخت مکزیک، گریختند و در آنجا جنبش ۲۶ ژوئیه را با هدف براندازی رژیم باتیستا آغاز کردند. در مکزیک بود که نیروهای کاسترو

با نیروهای یک انقلابی آرژانتینی مارکسیست با نام ارنستو «چه» گوارا ادغام شدند. چریک‌های کاسترو تنها نیروی سازمان یافته‌ای نبود که با دیکتاتوری باتیستا مخالفت داشت، گروه مخالف دیگر با نام «هیئت مدیره انقلابی»، شاخه‌ای از فدراسیون دانشجویان، یک سازمان چریکی ضدکمونیستی شهر محور بود که تنها هدفش براندازی باتیستا بود. رهبر این سازمان خوشه آنتونیو اچبریا همراه با دیگر رهبران جنبش هنگام حمله به کاخ ریاست جمهوری در مارس ۱۹۵۷ کشته شد. این شکست هم جنبش هیئت مدیره انقلابی و هم چریک‌های ضدکمونیسم مخالف باتیستا را به شدت ضعیف کرد.

در این میان در دهه ۱۹۵۰ تلاش‌هایی انجام شد تا به دیکتاتوری باتیستا به آرامی پایان داده شود. گروه‌هایی مانند «انجمن دوستداران جمهوری»، که شامل اعضای حزب آئوتستیکو، دانشجویان، و حزب‌های مخالف دولت بود، کوشیدند که باتیستا را وادار به انجام «گفتگوهای مدنی» کنند. به هر روی جای شکفتی نیست که این تلاش‌ها موققیتی در پی نداشت، زیرا انجمن دوستداران جمهوری برنامه سیاسی مشخصی نداشت و اعضایش حاضر به انجام دادن هیچ کاری جز گفتگو با دیکتاتور نبودند، با این امید ساده‌لوحانه که او را به پذیرفتن نیاز به انجام اصلاحات ترغیب کنند.

جنبش ۲۶ ژوئیه

همچنان که مخالفتها با رژیم باتیستا افزایش می‌یافت، رفاه نسبی اقتصادی و روابط خارجی خوب تلاش‌های دیکتاتور را برای افزایش سرکوب‌ها به بهانه حفظ امنیت ملی بی‌اثر کرد. روز دوم دسامبر ۱۹۵۶ کاسترو همراه با ۸۲ تن از چریک‌هایش در جنوب شرقی جزیره پا به خشکی گذاشت و این‌گونه به عهدش، که به کوبا بازمی‌گردد، وفا کرد. در ابتدای کار نیروهای کاسترو تارومار شدند، اما توانست بار دیگر نیرو جمع کند و همراه با برادرش رائول و چه‌گوارا به نیروهای باتیستا حمله کند. جنبش ۲۶ ژوئیه سپس مانیفست خود به نام *Nuestra razón* (هدف ما) را اعلام کرد، که جزئیات

برنامه سیاسی جنبش را ارائه می‌داد. مانیفست جنبش ۲۶ ژوئیه به چهار جنبه زندگی سیاسی و اقتصادی در کوبا که نیاز به بازبینی دقیق داشت حمله کرد: طرز فکر استعماری، استیلای اقتصادی بیگانگان، فساد، و ارتشر. مانیفست خواهان اصلاح قانون اساسی، کثرت گرایی سیاسی، «دوستی سازنده» با ایالات متحده، و اقتصاد مستقل بود.

جنبش ۲۶ ژوئیه کاسترو همچنین شاخه‌ای شهر محور داشت که در سال ۱۹۵۸ مردم

مانیفست جنبش ۲۶ ژوئیه به چهار جنبه زندگی سیاسی و اقتصادی در کوبا ... حمله کرد.

را به اعتصاب عمومی فراغواند. اگرچه اعضای لیبرال جنبش از اعتصاب پشتیبانی کردند و کاسترو نیز در ابتدا با اعتصاب موافق بود، کمونیست‌ها از جمله چه‌گوارا معتقد بودند که اعتصاب عمومی به خوبی برنامه‌ریزی نشده بود و وقت آن نیز مناسب نبود. پس از آن‌که معلوم شد اعتصاب موقتی در پی ندارد، کاسترو از ادامه حمایت از آن خودداری کرد که سبب شد نفوذ اعضای غیرکمونیست در جنبش ۲۶ ژوئیه ضعیف شود. از سوی دیگر، اگرچه اعضای حزب سوسیالیست مردمی به تاکتیک‌های کاسترو معترض بودند و معتقد بودند که محکوم به شکست است، او تعهد آن‌ها نسبت به جنبش و آمادگی‌شان برای اطاعت از دستورها را می‌ستود. هنگامی که روشن شد رژیم باتیستا محکوم به فناست، اعضای حزب سوسیالیست مردمی بیش از پیش از جنبش ۲۶ ژوئیه پشتیبانی کردند و در عوض کاسترو نیز هرچه بیشتر به دلیل وفاداری و قابل اطمینان بودن کمونیست‌ها به آن‌ها روی آورد.

انتقال قدرت

تحريم فروش اسلحه به کویا که در مارس ۱۹۵۸ به کار گرفته شد ضربهٔ نهایی را به رژیم باتیستا وارد آورد. وزارت خارجهٔ آمریکا در همان حال که اعتمادی به کاسترو نداشت چاره‌ای جز توقف ارسال سلاح‌های جنگی به کویا، تا زمانی که خفقان کاهش یابد، نمی‌دید. مسئولان در وزارت خارجهٔ آمریکا که توانایی کاسترو را دست‌کم می‌گرفتند امید داشتند که کاهش سرکوب مردم به نوعی طبقهٔ متوسط کویا را، که از مدت‌ها پیش معترض زیاده‌روی‌های رژیم باتیستا بود، آرام کند. در همین حال کاسترو این هوشمندی را داشت که از اعضای لیبرال تحصیلکرده و مورد احترام جنبش ۲۶ ژوئیه برای گفتگو با رسانه‌های جهانی و جامعه دیپلماتیک استفاده کند و این تصور را به وجود آورد که مبارزه نیروهای او فقط برای پایان دادن به دیکتاتوری باتیستاست و قصد تغییر زندگی اقتصادی و اجتماعی در کویا را ندارند.



فولختیو باتیستا، رهبر مورد حمایت آمریکا در کویا در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، در حال سخنرانی در یکی از تجمع‌های سیاسی در سال ۱۹۵۲. انقلاب کویا به دیکتاتوری او پایان داد. (© George Skadding/Time & Life Pictures/Getty Images.)